

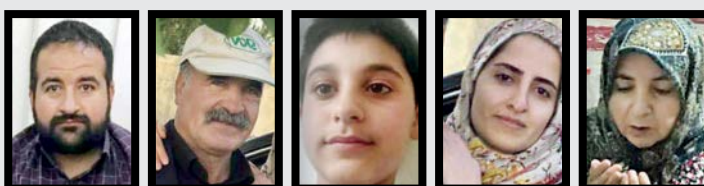
مروری بر مهمترین جنایت‌های سال ۹۹

قربانیان یک تصمیم شوم

قتل و جنایت‌های هولناک سال‌هاست در صفحات حوادث روزنامه‌ها جا خوش کرده‌است. این جنایت‌ها وقتی جنجالی‌تر و تلخ‌تر می‌شود که اعضای یک خانواده قربانی جنایت می‌شوند. در سال ۹۹ هم قتل عام‌های خانوادگی، خبرساز شد که در ادامه به مرور تعدادی از این جنایت‌ها پرداخته‌ایم.

مجید غمخوار
تپش

قتل عام خانواده دامدار



اواخر آذر امسال بود که رسیدگی به جنایت هولناک توپس‌رکان با غیبت چند روزه اعضای خانواده مرد دامدار آغاز شد. پسرعموی صاحب دامداری وقتی متوجه غیبت او و خانواده‌اش شد، به گاوداری مراجعه کرد اما هیچ‌کدام از آنها را پیدا نکرد. مرد جوان وقتی متوجه رد خون روی دیوار و زمین گاوداری و باغ کنار آن شد، احتمال داد حادثه تلخی رخ داده و موضوع را به پلیس اطلاع داد.

با جسد دختر جوان مرد دامدار در ۲۰۰ متری گاوداری روبه‌رو شدند. در ادامه با جست‌وجوی دامداری، جسد پدر خانواده از زیر خاک و جسد مادر و دو پسرش از عمق چاه کشف شد. با کشف اجساد مشخص شد کارگر اهل افغانستان این خانواده همزمان با وقوع جنایت ناپدید شده و خبری از او نیست. کارآگاهان که احتمال می‌دادند جنایت از سوی کارگر گاوداری رخ داده‌است، برای دستگیری او وارد عمل شده و موفق شدند چهار روز بعد او را در جنوب تهران دستگیر و به همدان منتقل کنند. نظیر در همان ابتدا به جنایت اعتراف کرد و گفت: با صاحب دامداری اختلاف حساب داشتم، به همین خاطر تصمیم به کشتن تمام اعضای خانواده و سرقت از گاوداری گرفتم. با همکاری دوستان نقشه را عملی کردم و با جسم سخت و چاقو هر پنج نفر را کشتم. از آنجا که دامداری خیلی از روستا فاصله داشت تا کسی بفهمد فرصت فرار داشتیم. بعد از سرقت از گاوداری از همدستم جدا شدم اما چند روز بعد در ورامین دستگیر شدم. قصد داشتم به افغانستان بروم و بعد که همه چیز فراموش شد با هویتی دیگر به ایران بیایم و در شهری دیگر کار کنم. من هیچ اوراق هویتی یا گذرنامه در ایران نداشتم. با اعترافات قاتل سنگدل به پنج جنایت، همدست او هم چند روز بعد دستگیر شد.



اختلاف خونین ۲ پسر خاله



در ماجرای دیگری حسادت مردی به پسرخاله‌اش جنایت هولناکی را رقم زد. ۲۵ خرداد امسال ساکنان برج سپید باغ فیض با شنیدن سر و صدا، متوجه درگیری دو پسر خاله شدند. یکی از همسایه‌ها برای بررسی ماجرا از خانه خود در طبقه هفتم

خارج شد اما مرد جوان با تهدید، زن همسایه را به خانه‌اش فرستاد و با زدن چند ضربه چاقو، پسرخاله‌اش را به داخل خانه‌اش برد. دقایقی بعد مرد ۳۸ ساله با دستان خونی از واحد خارج شد و به سرعت با خودرویش فرار کرد. زن همسایه وقتی دوباره به راهرو آمد، با خون ریخته شده روی زمین روبه‌رو شد و موضوع را به پلیس اطلاع داد. با حضور ماموران، کسی در واحد طبقه هفتم را باز نکرد به همین دلیل با حکم قضایی آتش‌نشانان در واحد را شکسته و با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. جسد خونین زن و مرد جوان و دختر ۶ ساله‌شان روی زمین افتاده بود. با شناسایی هویت قاتل، ساعتی بعد او دستگیر شد. مهرداد ۳۸ ساله با اعتراف به قتل پسرخاله و همسر و فرزند او گفت: نمی‌خواستم آنها را بکشم، من و سهیل اختلافاتی بر سر چند ملک و سند داشتیم. اما از چند وقت قبل همسرم شروع کرد سرکوفت سهیل و زندگی‌اش را به من زدن، همیشه می‌گفت همسر سهیل انگشتر گرانیقیمت دست می‌کند، تلویزیون ۶۰ میلیونی دارند یا از برند خاص خرید می‌کنند. او همیشه پسرخاله‌ام را توی سر من می‌زد و من به او حسودی می‌کردم تا این‌که اختلافات مالی و ملکی هم جمع شد و با چاقو سراغ پسرخاله‌ام رفتم. نمی‌خواستم همسر و دخترش را بکشم ولی مغزم کار نمی‌کرد و هر سه را با چاقو کشتم.



تپش

نمی‌خواستم آنها را بکشم، من و سهیل اختلافاتی بر سر چند ملک و سند داشتیم. اما از چند وقت قبل همسرم شروع کرد سرکوفت سهیل و زندگی‌اش را به من زدن

تپش

طلاق‌های عجیب

۹۹

هر روز زوج‌های جوان، میانسال و حتی سالخوردی‌ها برای طلاق به دادگاه خانواده مراجعه می‌کنند که برای دادخواست خود دلیلی دارند. گاهی این دلایل آنقدر عجیب است که قضات به جای صدور حکم طلاق این زوج‌ها را به مشاور معرفی می‌کنند. در ادامه چهار دلیل عجیب را که باعث شد زوجین به دادگاه خانواده بیایند، مرور می‌کنیم.

طلاق از شوهر ترسو

ترس‌های شوهر از حیوانات باعث شد همسرش با مراجعه به دادگاه خانواده دادخواست طلاق دهد. زن جوان وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره دادخواستش گفت: چند سال است ازدواج کرده‌ام ولی اصلاً انکار نه انکار شوهر دارم. او هیچ‌کدام از رفتارهایش مثل بقیه مردها نیست و من همیشه باید از او مراقبت کنم. این مرد همیشه در حال ترسیدن است و از هر چیز کوچکی می‌ترسد. کافی است در خیابان یک حیوان مثل گربه یا سگ ببیند، مثل بچه‌ها فرار می‌کند و رنگ و رویش می‌پرد. در خانه اگر سوسکی پیدا شود باید بروم و آن را بکشم. از طرف دیگر هرگز در خانه تنها نمی‌ماند. اگر من کاری داشته باشم و از خانه بیرون بروم، او هم آنقدر بیرون می‌ماند تا من برگردم. چون می‌گوید از تنهایی در خانه ماندن می‌ترسد. باور کنید خجالت می‌کشم مشکلات او را به کسی بگویم. من ازدواج کردم تا مردی پشتوانه‌ام باشد نه این‌که من مثل مادر از او مراقبت کنم.

خسته از ازدواج‌های پدرزن

ازدواج‌های مرد میانسال، دامادش را خسته و راهی دادگاه خانواده کرد. مرد جوان با حضور در دادگاه خانواده تهران به قاضی گفت: من و همسرم سه سال قبل با هم آشنا شدیم و عقد کردیم. در این مدت سه سال پدرزنم دوبار ازدواج کرد و به‌خاطر اختلافاتی که با همسرانش پیدا کرد، آنها را طلاق داد و حالا می‌خواهد برای سومین بار ازدواج کند. او با این رفتارش باعث شد آبروی من پیش دوست و آشنا برود و سوژه شوم. او به فکر آبروی من و دخترش نیست و فقط به خودش فکر می‌کند. می‌دانم سومین ازدواجش هم دوامی نمی‌آورد و زود به جدایی ختم می‌شود. از او خواستم از این ازدواج منصرف شود که قبول نکرد به همین خاطر من هم تصمیم گرفتم از همسرم جدا شوم.